

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

"من باور دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: تزریا - متزورا ۵۷۸۰

واژه هایی که شفا می بخشند

Rabbi Lord Jonathan Sacks

Tazria-Metzora

Words That Heal

تام هنکس در فیلم *A Beautiful Day in the Neighbourhood*، روزی زیبا در محله، ساخت ۲۰۱۹، نقش تولیدکننده تلویزیونی محبوب کودکان آمریکایی به نام فرد راجرز را بازی می کند که چهره ای سرشناس برای چندین نسل از کودکان آمریکا بوده و به دلیل میوزیکال "Won't you be my neighbour?" مشهور است.

آنچه فیلم را متمایز می سازد، بزرگداشت بینظیر آن از قدرت نیکی انسان در درمان قلب های شکسته است. امروزه این گونه پیام های روشن اخلاقی، محدود به فیلم های کودکان شده اند که برخی از آنها کارهای نبوغ آمیزی هستند. قدرت و ظرافت فیلم در همین نکته است، اما تلاش نمی کند آنرا ساده انگارانه و ساده لوحانه بیان کند.

طرح داستان بر اساس یک رویداد واقعی است. مجله ای تصمیم گرفت داستان های واقعی کوتاهی در مورد قهرمانان روزمره منتشر کند و یکی از بهترین روزنامه نگاران خود را به نوشتن در مورد راجرز گماشت. اما آن روزنامه نگار، روحی آشفته داشت. او مناسبات قهرآمیزی با پدر خود داشت. آنها در روز عروسی خواهر او با هم کتک کاری کرده بودند. پدر به دنبال آشتی بود، ولی روزنامه نگار حتی از دیدن او خودداری می کرد. گوشه های تیز این کاراکتر در سبک روزنامه نگاری او دیده می شد. هر چه می نوشت حاوی انتقادهای گزنده ای بود، چنان که گویی او افسار گسیخته بود تا تصویر آدم های گزارش های خود را ویران کند. او با چنین شهرتی در شگفت بود که چرا ستاره تلویزیونی کودکان، مصاحبه با او را پذیرفته بود. آیا او هیچ یک از نوشته هایش را نخوانده بود؟ آیا از این خطر آشکار که گزارش تصویری منفی و شاید ویرانگر از او به دست بدهد، آگاه نبود؟

معلوم شد که نه تنها راجرز تک تک مقاله های او را خوانده بود، بلکه همچنین تنها شخصیتی بود که درخواست مصاحبه با این روزنامه نگار را پذیرفت. همه دیگر "قهرمانان" درخواست او را رد کرده بودند.

روزنامه نگار به دیدار راجرز می رود. ابتدا در هنگام تولید یکی از برنامه های او که با عروسک های خیمه شب بازی، قطارهای اسباب بازی، و شهرک های مینیاتوری انجام می شد، حضور می یابد. یک روزنامه نگار شهرهای بزرگ می توانست به همه این کارها نظر تحقیرآمیز داشته باشد. اما هنگام ملاقات و گفتگو، راجرز از قراردادن او در هر گونه کلیشه پرهیز کرده، پرسش ها را از خود به سمت روزنامه نگار برمی گرداند و بیدرنک، هسته ای از ناشادی را در او احساس می کند. راجرز هر پرسش منفی را به یک تایید مثبت تبدیل می کند

و با آرامش، سکوت و شنوا بودن، روزنامه نگار را تشویق می کند که در مورد خودش صحبت کند.

تجربه ای شگفت انگیز است تماشای ملایمت تام هنکس که حتی در لحظات فشار بر هم نمی خورد و به روزنامه نگار که فقط ۴۰۰ کلمه تا آن لحظه نوشته، امکان می دهد به شکست خود در رابطه با پدرش اعتراف کند و قدرت عاطفی بخشیدن پدرش و آشتی با او در عمر کمی که برایش باقی مانده بود، بیابد. این بخشی از گفتگوی آنها است که به شما حسی از چگونگی این ارتباط گیری می دهد.

روزنامه نگار: تو از آدم هایی مثل من خوشتر می آید.

فرد راجرز: آدم های مثل تو چه کسانی هستند؟ من تا کنون کسی مانند تو را در تمام زندگی ام ندیده ام.

روزنامه نگار: آدم های درهم شکسته.

فرد راجرز: من فکر نمی کنم تو آدمی درهم شکسته باشی. می دانم که فرد معتقدی هستی. کسی هستی که تفاوت میان خطا و درست را می دانی. سعی کن به یاد بیاوری که رابطه تو با پدرت همچنین در شکل گیری بخش های دیگر شخصیت تو نقش داشته است. او کمک کرد که این فردی بشوی که هستی.

ببینید چگونه راجرز در چند جمله کوتاه کمک به بازسازی تصویر روزنامه نگار از خودش و رابطه با پدرش می کند. او همان روحیه جنگ و جدال را که او را به دعوا با پدرش کشانده

بود از پدرش گرفته بود. این فیلم، البته نه تک تک ریزه کاری های داستانی اش، بر اساس یک اتفاق واقعی میان فرد راجرز و روزنامه نگاری به نام تام جونود است. جونود مانند کاراکترش در فیلم آمد که انتقاد گزنده بکند، اما الهام گرفت. او در مورد این تجربه گفت: "نور مهر الهی چیست؟ نمی دانم؛ فقط می دانم که به قلبم تلنگری وارد شد و سپس در آن اتاق گشوده شد و احساسی مانند باز شدن چتری باز به من دست داد." این فیلم به قول یک بیننده می گوید: "یک همسرای خوش ساخت و اجرا در مورد خوبی است".¹

با این مقدمه طولانی می خواهم بگویم این فیلم، نمایشی نادر و گیرا پیرامون قدرت واژه ها در درمانگری یا بیمار ساختن است. بر اساس نظر حکیمان تلمودی، این همان نکته ای است که پادشاهای تریا و متزورا به آن می پردازند. *Tsara'at* یا برص یک بیماری پوستی است که تشخیص و پاکسازی آن موضوع مرکزی این پادشاهها است. این بیماری، مجازات لاشون هاراع یا زبان شر دانسته شده و واژه متزورا علت عذاب فرد از بیماری را بیان می کند، زیرا از حروف آن عبارت *motzi shem ra* برداشت می شود، به معنای "آنکه زبان شر به کار می برد". متن شاهی که در این زمینه می آورند، داستان میریام است که از موسی بدگویی کرد و دچار *tsara'at* شد (اعداد ۱۲). موسی سال ها بعد به این رویداد اشاره و بنی اسرائیل را تشویق می کند که درس آنرا در قلب خود حک کنند: "به یادیاور آنچه خداوند، خدای تو در طول مسیر و پس از خروج از مصر با میریام کرد". (تثنیه ۹:۲۴)

من استدلال کرده ام که یهودیت را باید دین واژه ها و سکوت، سخن گفتن و شنیدن، ارتباط گیری و حضور دانست. خدا با کلمات، جهان را آفرید - "و او گفت... و چنان شد" - و ما نیز

¹ Ian Freer, Empire, 27 January 2020.

دنیای اجتماعی خود را با واژه ها و عهدی که برای رعایت تعهدهای خود به دیگران با خود می بندیم، می آفرینیم. وحی خدا در کوه سینا در قالب کلمات بود: " شما صدای کلمات را شنیدید و هیچ صورتی ندیدید؛ تنها صدا بود " (تثنیه ۴:۲).

همهٔ دین های باستانی دیگر بناهای آجری و سنگی داشتند؛ یهودیان که به تبعید رفته بودند، تنها کلمات را در قالب تورات داشتند که هر جا می رفتند آنرا با خود می بردند.

میصوای یهودیت، خواندن *Shema Yisrael* است به معنای *بشنو ای اسرائیل*. زیرا خداوند نادیدنی است و ما هیچ تمثالی از او نمی سازیم. نمی توانیم خدا را ببینیم؛ نمی توانیم او را ببوییم؛ نمی توانیم او را لمس کنیم؛ نمی توانیم او را بچشیم. تمام توان ما این است که گوش بدهیم با این امید که سخن او را بشنویم. در یهودیت، شنیدن، هنر دینی مهمی است.

باید چنین باشد. آنچه تام هنکس در نقش فرد راجرز به ما نمایش می دهد، مردی است قادر به ارتباط گیری با دیگران، گوش دادن به آنها، سخن گفتن با ملایمت به روشی بسیار تاییدگر، بی آنکه یا یاغی باشد یا نتیجه بگیرد که همه چیز دنیا یا آنها درست است.

دلیل جالب بودن و اهمیت این نکته آن است که گوش فرادادن به کلام خدا ممکن نخواهد بود اگر نتوانیم به انسان های دیگر گوش بدهیم. چگونه می توانیم از خدا انتظار داشته باشیم که به ما گوش فرادهد اگر ناتوان از گوش دادن به دیگران باشیم؟

کل این موضوع کلام و تاثیر آن بر انسان های دیگر، در اثر رواج تلفن های هوشمند و شبکه های اجتماعی اهمیت بیشتری یافته، به ویژه در مورد جوانان و لحن عمومی گفتگوها در گستره

همگانی. آزار و اذیت های آنلاین، فاجعه دوران ما بوده، به دلیل آسانی و غیرشخصی بودن ارتباط گیری ها رخ داده است. وضعیتی به وجود آورده که آنرا حالت لجام گسیختگی نامیده اند: مردم هنگام برخورد آنلاین، بیشتر از زمانی که رودرروی کسی باشند، احساس آزادی برای بیرحم و هرزه گو بودن می کنند. در حضور فیزیکی دیگری، بسیار دشوار می توان فراموش کرد که فرد دیگر، یک موجود زنده و نفس کشنده مانند شما و دارای احساس ها و آسیب پذیری هایی همسان با شما است. اما وقتی در حضور فیزیکی نیستید، می توانید همه سم های درون خود را بیرون بریزید که گاهی تاثیرات ویرانگر دارد. شمار بالای خودکشی و قصد خودکشی در میان نوجوانان در ده سال گذشته دوبرابر نیز شده و بیشتر محققان، علت آنرا وجود شبکه های اجتماعی می دانند. قانون منع زبان شر، هیچ گاه تا این اندازه بجا و ضروری نبوده است.

فیلم *A Beautiful Day in the Neighbourhood* تفسیر شگفت انگیزی از یک جلد دیرین یهودیت است که موسی بن مایمون در فصل ششم از کتاب هشت فصل بررسی کرده، می گوید که قدیس کسی است که طبیعتا خوب است، اما فرد خاسید برتر از قدیس است، زیرا او *ha-moshel be-nafsho* است، یعنی کسی که طبیعتا قدیس نیست، ولی خودداری پیشه کرده، به سرکوب عنصر منفی شخصیت خود برمی خیزد. دقیقا همین پرسش است که پاسخ آن آشکار نیست و به فیلم، تاثیر گذاری می بخشد.

حکیمان تلمودی، سخنانی جدی درمورد زبان شر داشته اند. از جمله این که زبان شر بدتر است از مجموع سه گناه کبیره بت پرستی، زناکاری و خونریزی. زبان شر سه نفر را می کشد: آنکه زبان به شر می گشاید، آنکه زبان شر در مورد او به کار رفته و آن کس که به زبان شر

گوش می دهد.² یوسف مورد نفرت برادران خود قرار گرفت، زیرا درباره برخی از آنها سخنان منفی به زبان آورد. نسل خارج شده از مصر از ورود به سرزمین منع شد، زیرا درباره آنجا سخن شر به زبان آوردند. هر کس که زبان شر به کار می بندد، منکر خداوند است.³

من باور دارم که بیش از هر زمانی به قوانین *lashon hara* یا منع زبان شر نیاز داریم. شبکه های اجتماعی آکنده از نفرت هستند. زبان سیاست، نامحترم و گزنده شده است. گویی پیام پادشاهای تزیبا و متزورا را فراموش کرده ایم که به ما یادآور می شوند زبان شر، چه طاعون مصیبت باری است. زبان شر، مناسبات انسانی را ویران می کند، احساسات انسان ها را پایمال می سازد، گستره همگانی را بی فرهنگ می کند و سیاست را به مسابقه ای میان ایگوها تبدیل و هر آنچه در زندگی مشترک انسان ها مقدس است را آلوده می سازد. نباید چنین باشد.

شبات شالوم



برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط
شیریندخت دقییان Persian Translation by Shirin D. Daghighian

² Arakhin 16b.

³ Arakhin 15b.